
سنتر پژوهی موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

سعیده رشیدی

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گیلان

مجید یاسوری

استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان

Emails: saeideh.rashidi1988@gmail.com; yasoori@um.ac.ir

■ چکیده

در فرهنگ ایرانی، فعالیت اقتصادی برای زنان، ضروری دانسته نمی‌شود، زیرا مرد به‌عنوان نان‌آور خانواده به شمار می‌آید. از طرف دیگر، توانایی‌های زنان به فعالیت‌های خانگی محدود نمی‌شود و آن‌ها این قابلیت را دارند که در عرصه اجتماع نیز به فعالیت بپردازند، و اشتغال برای آنان صرف‌نظر از استقلال مالی، دارای اهمیت اجتماعی و روان‌شناختی است. به علاوه دستیابی به توسعه پایدار، مستلزم مشارکت همهٔ احاد مردم است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران با استفاده از روش کیفی سنتر پژوهی یا فرا ترکیب است. واحد تحلیل در این پژوهش، مقالاتی است که در مجلات معتبر مورد تأیید وزارت علوم به چاپ رسیده است. در این ارتباط، تعداد ۳۰ مقاله شناسایی و نهایتاً با بررسی دقیق‌تر آن‌ها، تعداد ۲۴ مقاله به صورت هدفمند برای خوانش مجدد کدگذاری و شاخص‌ها و مفاهیم آن انتخاب شد. جهت تحلیل یافته‌ها از الگوی شش مرحله‌ای سنتر پژوهی روبرتس استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ارتباط با موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران، ۵ مقوله هسته‌ای، ۱۶ مقوله و ۶۷ مفهوم شناسایی و دسته‌بندی شدند. نتایج این تحقیق می‌تواند درکی جامع در خصوص موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی در ایران فراهم نماید.

■ **کلیدواژه‌ها:** اشتغال، زنان روستایی، موانع اشتغال.

مقدمه

تحقق اهداف اقتصادی-اجتماعی برنامه‌ریزی موجود در هر کشور، مستلزم به دست آوردن تصویری دقیق از وضعیت اقتصادی، اجتماعی افراد آن کشور است (قربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۵). حساسیت‌های ملی یکی از ابزارهایی است که منعکس‌کننده تصویری جامع از فعالیت‌های اقتصادی افراد است، و این در کشورهای در حال توسعه با چالش‌هایی اساسی روبرو بوده، و اغلب فعالیت‌های افراد، نادیده گرفته می‌شود (Ruger & et al, 2008: 23)، که نمونه بارز آن، کشورهای در حال توسعه‌اند. زنان روستایی کشورهای مزبور که تولید ۸۰ درصد از مواد غذایی و سرپرستی حدود ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی را برعهده دارند، به عنوان فعالان عرصه اقتصادی به شمار نمی‌آیند و به سادگی از برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی حذف می‌شوند (سواری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

حدود نیمی از جمعیت جامعه روستایی را زنان تشکیل می‌دهند که دارای وظایف و نقش‌هایی متعدّداند؛ از جمله همسررداری، کدبانوگری، تولید و تبدیل فرآورده‌های کشاورزی مانند ماست، پنیر و...، حفظ و نگهداری آن‌ها، کار در مزارع خانوادگی، تهیه آب و وسایل سوخت و کار به صورت مزدبگیر و... زنان روستایی با انجام فعالیت‌های درون منزل (آماده کردن غذا، پختن، شستن و...) و فعالیت‌های بیرون منزل (کشاورزی، دامپروری و...) و صنایع دستی، نقشی مهم در توسعه روستایی ایفا می‌کنند. آن‌ها از گذشته، سهمی عمده در تولید صنایع روستایی داشته و صنعت خود را با هنر توأم کرده‌اند. زنان صنعتگر روستایی از نظر اقتصادی، کمک‌هایی زیاد برای تأمین معاش خانواده انجام می‌دهند. درآمد حاصل از صنایع روستایی و تولیدات زراعی و دامی توسط آن‌ها انجام می‌گیرد و در برخی مواقع حتی از درآمد شوهران‌شان نیز بیشتر است (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۶۱). فعالیت زنان در صنایعی مانند قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، صنایع دامی، صنایع غذایی و غیره، از کارگری شدن خانوارهای کشاورز جلوگیری کرده و از نظر اقتصادی به معیشت خانواده کمک می‌کند (همتی وینه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). از آن جایی که ارزش‌های فرهنگی حاکم بر روستا، کلیه فعالیت‌های زنان را به عنوان امری طبیعی و جزئی از وظایف آن‌ها قلمداد کرده، و با وجود سخت‌کوشی که در کلیه فعالیت‌ها از آن‌ها مشاهده می‌شود، اما بخشی عمده از منافع مادی حاصل از این تلاش‌ها، نصیب مردان می‌گردد (وفایی و ترکارانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

ورود زنان به حوزه اشتغال، فراز و نشیب‌های خاص خود را داشته و همواره این دغدغه برای آن‌ها وجود دارد که بین زن و شاغل بودن، تصمیم بگیرند (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۴: ۲۴۴). بر اساس ساختار فرهنگی جامعه روستایی ایران، به‌ویژه قوانین مربوط به کار و خانواده، همچنین سنت و عرف اجتماعی، مرد، نان‌آور خانه تلقی می‌شود، و از این رو مشارکت زنان در بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی، ضروری به شمار نمی‌آید. با توجه به دگرگونی‌های ارزشی و ساختاری دهه‌های اخیر از جمله افزایش سطح تحصیلات دختران و افزایش سهم پذیرفته‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها، افزایش میانگین سن ازدواج، دگرگونی ساختار خانواده از نوع گسترده به هسته‌ای، کاهش بُعد خانوار و قدرت خرید سرپرست، افزایش سریع میزان مشارکت زنان در سال‌های آتی، قطعی است. از طرف دیگر، زنان در خانواده دارای نقش‌هایی مهم‌اند، که به‌ویژه در دوره مادری، ضروری است بدان اهتمام ورزند. با این حال، علایق و توانایی‌های زنان به فعالیت‌های درون خانگی محدود نمی‌شود و آن‌ها از این قابلیت برخوردار هستند که علاوه بر فعالیت‌های تربیتی و تولیدی در عرصه خانه و خانواده، در عرصه اجتماع نیز به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند، و از این طریق، هم به بهبود اقتصاد خانواده کمک کنند و هم به بلوغ و استقلال اقتصادی و هویتی دست یابند. از این رو شایسته است برای ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب زنان، با توجه به سطح سواد و مهارت آنان، برنامه‌ریزی شود و با ایجاد شرایط فرهنگی مناسب، زمینه بروز و ظهور استعدادها و توانمندی‌های آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، فراهم گردد (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۲: ۶).

بر اساس مطالعات انجام شده، افزایش نرخ مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا، هم به توسعه سرمایه اجتماعی این جوامع کمک می‌کند و هم باعث رونق اقتصادی خانواده می‌شود (Yang & An, 2002: 68). پژوهش حاضر با درک اهمیت این موضوع در جوامع روستایی، شناسایی موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی ایران را مورد توجه قرار داده، و به دنبال این پاسخ است که بدانند اشتغال زنان روستایی با چه موانع و محدودیت‌هایی مواجه است و راه برون‌رفت از آن چیست؟

مبانی نظری

نظریه‌های رایج جهت بررسی موانع اشتغال زنان را می‌توان به نظریه‌ها و دیدگاه‌های جنسیتی نسبت داد. از نقطه نظر دیدگاه‌های جنسیتی، فرض اساسی این است که تفاوت‌های زیستی، تمایزات اجتماعی را برای زنان و مردان به وجود آورده است. بدین ترتیب، مرد باید دارای شغل و درآمد و نان آور خانه باشد، اما اساسی‌ترین نقش زن، خانه‌داری و بچه‌داری است.

فقدان آزادی زنان، محصول کنترلی است که در قلمروهای عمومی و خصوصی بر آنان اعمال می‌شود، و رهایی زنان تنها در صورتی تحقق می‌یابد که تقسیم کار جنسی در همه قلمروها از میان برود. هدف فمینیسم از دیرباز، احقاق حقوق برابر برای زنان بوده است؛ یعنی برخورداری زنان از حقوق شهروندی مساوی با مردان. هدف اینان این نکته بوده که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس، ذاتی نیست، بلکه نتیجه جامعه‌پذیری و همگون‌سازی جنس و نقش است.

یک موضوع کلیدی در تئوری‌های جنسیت، اختصاص کار خانگی به زن‌ها است. تئوری‌های جنسیتی همچنین تأکید می‌کند که گرایش مشاغل زنانه برای این است که انعکاسی از نقش خانگی زنان باشد (نظیر آموزگار، پرستاری)، و درست همان‌طور که در بیشتر جوامع، کار خانگی زن‌ها کم ارزش‌تر شده، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم ارزش‌اند. نقش عمده تئوری‌های جنسیتی نشان دادن این مطلب است که موقعیت زنان را در بازار کار می‌توان به عنوان جزئی از کل سیستم اجتماعی که در آن زن‌ها تابع آن هستند، در نظر گرفت. نکته اصلی تئوری جنسیتی این است که موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است، که زنان در آن، تابع مردان هستند (آقاجانی و توکلی والا، ۱۳۸۶).

عوامل مؤثر بر نابرابری‌ها در اشتغال در خصوص اشتغال زنان

تا پیش از دهه ۱۹۷۰، زنان را کُنشگران مهم در فعالیت اقتصادی نمی‌دانستند و معمولاً مشارکت آن‌ها در پروژه‌ها نادیده گرفته می‌شد؛ اما از دهه ۱۹۷۰، تغییراتی در نگرش نسبت به نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی پدید آمد (نامدار، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

اعلام سال ۱۹۷۵م. به عنوان سال جهانی زن، نمونه‌ای از این تغییرات بود که توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زنان در توسعه جلب کرد، و برای تلاش در رفع تبعیض از آن‌ها، انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها به وجود آورد (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲)، و به تدریج، این امر پذیرفته شد که توسعه اقتصادی بدون مشارکت زنان، میسر نیست، و یکی از راه‌های گسترش درآمد ناخالص ملی جوامع، از طریق افزایش و گسترش فعالیت اقتصادی زنان در حوزه عمومی کار همپای مردان شکل می‌گیرد (شربتیان، ۱۳۸۷: ۹۳).

حضور زنان در بازار کار بر حسب اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشوری متفاوت بوده و به عواملی گوناگون از جمله سطح تحصیلات زنان، سیاست‌های دولت در جهت سطح تقویت اشتغال و آموزش زنان، توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ بیکاری، نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده و سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد (کریمی موغاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴). در ایران نیز تقریباً همانند تمامی کشورهای جهان، موانعی در راه اشتغال زنان وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها به قرار ذیل اند:

موانع فرهنگی: عوامل فرهنگی در همه جوامع به عنوان یک عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی شناخته شده‌اند. عوامل فرهنگی بر روابط انسانی حاکم بر جوامع -وضع قوامین- نگرش افراد در زمینه شیوه زندگی و شخصیت افراد، تأثیرگذار است. اشتغال زنان به عنوان یک پدیده اجتماعی و به عنوان یک متغیر وابسته به طور جدی تحت تأثیر عوامل فرهنگی است (آقاجانی و توکلی والا، ۱۳۸۶).

با وجود اینکه عامل اقتصادی در اشتغال زنان دارای بیشترین اهمیت است، اما مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیری مستقیم بر میزان اشتغال زنان داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را به وجود آورده که در صورت عدم موافقت شوهر با کار زن، حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم‌پوشی نماید. از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال زنان در ایران، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها، عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود، عدم آگاهی زنان از زمینه‌های مختلف اجتماعی و

اقتصادی موجود برای فعالیت، بالاتر بودن نرخ بیسوادی زنان نسبت به مردان، پایین بودن درصد متخصصان و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان (علی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴). دیگر عوامل فرهنگی بازدارنده اشتغال زنان عبارتند از طرز تلقی و نگرش جامعه نسبت به آن‌ها، و چگونگی وضعیت فیزیولوژیکی و زیستی‌شان نسبت به مردان که موقعیت‌هایی متفاوت برای آن‌ها به وجود آورده است. این تفاوت‌ها باعث شده که در امور اشتغال، کارهایی که به توانایی بیشتری نیازمند است به مردان سپرده شود. این برداشت و نگرش از جامعه سنتی نشئت گرفته که زنان موجوداتی ضعیف‌تر هستند، و مردان باید بر آن‌ها تسلط یابند (Chatter, 2015).

این نگرش حتی در ذهن زنان جامعه هم رسوخ یافته و همین تصورات و پیش‌داوری‌ها، فعالیت آن‌ها را محدود به امر تربیت فرزند، خانه‌داری، تدارک امور حوزه خصوصی خانه یا کارهای مربوط به نگهداری اموال یا کارهای دستی و جز آن در منزل کرده، و هرگونه امکانات آموزشی، تفریحی، رفاهی و رشد و ترقی آن‌ها را سلب کرده است. این نگرش، هنوز در جامعه ایران رواج دارد (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۶۰).

حاکمیت تفکر سنتی مردسالاری در جامعه، پیوندی تنگاتنگ با ساختارهای فرهنگی-اجتماعی جوامع، و نقشی گسترده در میزان اشتغال زنان در جامعه ایفا می‌کند. در جوامع سنتی، فراوانی و شدت این فرهنگ بیشتر از جوامع توسعه‌یافته و مدرن است، و دلیل این تفاوت را می‌توان در نفوذ و چیرگی ساختارهای شکل‌گرفته بر پایه پدرسالاری و پذیرش این امر در عرصه‌های فرهنگی جستجو کرد. در این جوامع، فرهنگ مردسالار، فرهنگی مشروع و غیر قابل انکار است؛ بنابراین می‌توان با جرأت اذعان نمود، این فرهنگ که از همان ابتدای شکل‌گیری فرد (زن) بر او حاکم است، نظامی است سلطه‌گرانه و به نحوی اعمال قدرت می‌نماید و افراد را در نقش‌های ساخته‌شده‌ای قرار می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۰).

فرهنگ مردسالاری، فرصت و امکان فعالیت و ورود به عرصه فرهنگی-اجتماعی را با ایجاد موانعی از قبیل ناتوانمند و ضعیف بودن، اهمیت نداشتن این نوع فعالیت‌ها برای زنان، لزوم کسب اجازه از مردان برای خارج شدن از خانه، ناپسند دانستن اختلاط زنان با مردان در اجتماع، جلوگیری از پیشرفت فرهنگی-اجتماعی آن‌ها به خاطر نگرانی از اطاعت نکردن از مردان و... مهیا نمی‌سازد، یا شرایط ورود به آن، سخت خواهد بود.

به‌طور کلی، حاکمیت نگاه مردسالارانه، تفکر غالب به توانایی مرد در برابر زن، تصویری که زنان به لحاظ مسئولیت‌های خانوادگی و خانه‌داری دارند، و همچنین عدم خودباوری زنان، باعث کم‌رنگ شدن حضور آن‌ها در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه شده است (صدادتی‌فرد و ارجمند، ۱۳۸۹: ۱۱۹). همچنین تفکیک جنسیتی و کاهش سن ازدواج دختران، از دیگر موانع فرهنگی است. (آقاجانی و توکلی والا، ۱۳۸۶).

موانع اجتماعی: در مجموع می‌توان مهم‌ترین مانع اجتماعی اشتغال زنان را مسئله آموزش آنان دانست. ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقای شخصیت وجودی را دچار مشکل می‌کند، و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود زنان در زمینه‌های شغلی یا شرایط مساوی با مردان را نداشته، و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد، و تصورات و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح دهند (علی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵).

زنان با دشوار شدن راهیابی به مشاغل رسمی، در دستیابی به سطوح آموزشی بالاتر برای یافتن شغل مناسب‌تر سعی کرده‌اند، و همگام با افزایش سطح تحصیلات، سهم آنان در بازار کار نیز روند صعودی یافته است. از این رو چنانچه موانع اجتماعی که ریشه در باورهای سنتی برخی جوامع دارند، گسترش مشارکت زنان در بازار کار را با مشکل روبه‌رو سازند، و موانع موجود برای حضور آنان در مناصب مدیریتی و مشاغل تخصصی از بین برود، و اصل شایسته‌سالاری در پذیرش افراد، مد نظر قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود که زنان تحصیل کرده و لایق ایرانی، در آینده نزدیک، جایگاه واقعی خود را در بازار کار کشور (به‌ویژه در بخش‌های مدرن و مشاغل تخصصی) به دست آورند، هر چند تا کنون نیز در بررسی جایگاه زنان ایرانی، کشور ما شاهد حضور زنان تحصیل کرده و متخصص در سطوح مختلف (کار و کارآفرینی، تولید علم و فناوری، آموزش، خدمات، مدیریت، فعالیت‌های حرفه‌ای هنری، ادبی، ورزشی، رسانه‌ای و...) بوده است (قلی‌زاده و برکت، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

موانع اقتصادی: از دیگر موانع اقتصادی پیش روی اشتغال زنان، اختلاف سطح دستمزدها است. اختلافات در زمینه درآمد‌ها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است، هر چند ممکن است ساعات کار زنان، کمتر از مردان باشد و به کارهای متوسط

یا پاره وقت مشغول باشند. عامل دیگر که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد، تبعیض در پرداخت دستمزد است. چنین تصور می‌شود که در دوره‌های رکود و تعدیل ساختاری، بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد، و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش وسیعی از دست داده‌اند، زنان مجبور بوده برای بقای خانواده در بخش غیررسمی کار کنند، و این چیزی است که یونیسف از آن به عنوان تعدیل نامرئی نام می‌برد (موسوی خامنه، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

نوع مشاغل: حضور زنان در برخی مشاغل که بیشتر زنانه نامیده می‌شود، از جمله معلمی، بهیاری و خدمتکاری در ادارات که در ادامه نقش‌های سنتی بدون مزد زن در خانه محسوب می‌شود، تمرکزی بیشتر دارد، که از کیفیت پایینی نیز برخوردار است؛ همچنین آن‌ها دارای سطح دستمزدهایی پایین‌تر نیز هستند؛ بنابراین آنان را به همان کارهایی که در فرهنگ سنتی در خانواده انجام می‌داده، می‌گمارند، که نه تنها هیچ راهکاری مناسب برای آنان ایجاد نمی‌کند، بلکه عملاً آنان را از صحنه فعالیت اقتصادی نیز دور نگه می‌دارد (سفیری، ۱۳۸۳: ۴۱۲).

علاوه بر این در کشورهای جهان سوم، دسترسی محدود زنان روستایی به اعتبارات و تسهیلات مالی چه برای نیازهای کوتاه‌مدت و چه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت در کسب و کار، از مهم‌ترین موانع اقتصادی فعالیت آن‌ها در عرصه‌های مختلف محسوب می‌شود. حتی زمانی هم که آن‌ها امکان دسترسی به منابع مالی پیدا می‌کنند، عدم توانایی‌شان در تأمین تضمین‌های لازم، مانع از دریافت تسهیلات شده و از سویی، نرخ بالای بهره تسهیلات نیز ممکن است به بدهکار شدن و در نتیجه خطر متزلزل شدن بنیان خانوادگی آن‌ها منجر گردد (شاوردی و چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). به‌طور کلی، مهم‌ترین موانع اقتصادی در اشتغال زنان روستایی، شامل فراهم نبودن سرمایه اولیه، عدم دسترسی آن‌ها به اعتبارات دولتی، ناکافی بودن مؤسسات مالی، عدم حمایت و شراکت سرمایه‌گذاران اقتصادی، عدم حمایت مالی از طرف بانک‌ها و مؤسسات دولتی است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

موانع فردی - خانوادگی: بیشتر انگیزه‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی است. می‌توان گفت، میان توانایی‌های شخصیتی از قبیل

اعتماد به نفس و پنداشت از خود، رابطه‌ای متقابل بر اشتغال زنان دارد، به طوری که پنداشت از خود و اعتماد به نفس بالا، تأثیری مستقیم بر اشتغال زنان و موقعیت شغلی آنان دارد (یوسف‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰).

فقدان اعتماد به نفس در زنان (اعتماد به نفس خود ارزیابی) به عنوان یکی دیگر از موانع فردی مشارکت زنان شناخته شده است؛ به عبارتی با کم شدن اعتماد به نفس در زنان، کاهش مشارکت آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده است (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸). بنابر اطلاعات جمعیت‌شناختی، هرچه نرخ باروری به دلیل جوانی جمعیت افزایش می‌یابد، با نزول اشتغال زنان مواجه می‌شویم؛ همچنین میان تعداد فرزند و اشتغال، رابطه معکوس وجود دارد. وضعیت تأهل نیز بی‌تأثیر در موضوع نیست، به طوری که زنان مجرد از آزادی عمل بیشتری برای اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی نسبت به متأهلین برخوردارند. تحصیلات نیز عامل قابل توجهی است. طبق آمارهای رسمی، اکثریت زنان کشور، باسواد هستند و درصد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت دانشجویی را زنان تشکیل می‌دهند (یوسف‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰).

موانع نهادی و سیاسی: سیاست‌های موجود در کشور را نیز می‌توان از موانع اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی در کشور تلقی کرد. در این میان می‌توان از این موانع به عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی، کم بودن شانس زنان در کسب مقامات دولتی، ساختار قدرت و نقش‌های سیاسی اشاره نمود (صفایی‌پور و زاد ولی خواجه، ۱۳۹۵: ۱۸). لزوم سپردن وثیقه برای تسهیلات، نبود قوانین حذف یا تخفیف معافیت‌های مالیاتی برای زنان، عدم اطلاع کافی از قوانین و مقررات، از دیگر موانع حقوقی، نهادی است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

داده‌ها و روش کار

منابع استفاده شده در این تحقیق، شامل مقالات، نشریات داخلی و خارجی است. پژوهش حاضر از نوع رویکرد به کار گرفته شده کیفی و از نوع سنتز پژوهی و راهبرد مورد استفاده فراترکیب است، که با انجام تحلیل محتوای استقرایی و سپس فراترکیب از تحلیل‌های انجام شده، همراه است. در تحقیق حاضر، در درجه اول، مضامین اصلی استخراج و بعد از

کدگذاری و انتخاب مقولات اصلی، ترکیبی از این مقولات انجام شد، و سپس چارچوبی مفهومی از موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی تدوین گردید. از سویی دیگر، جهت تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر از الگوی شش مرحله‌ای سنتز پژوهی روبرتس استفاده شده، که مراحل آن در شکل ۱، قابل مشاهده است:



بحث و نتایج

در این بخش با توجه به الگوی شش مرحله‌ای روبرتس، به تحلیل هریک از مراحل پرداخته می‌شود:

مرحله اول، شناسایی نیاز، اجرای جستجوی مقدماتی، شفاف‌سازی نیاز: موانع و اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران به عنوان یکی از مسائل مهم در حوزه

برنامه‌ریزی و توسعه روستایی قلمداد می‌شود و بسیاری از زنان روستایی با این مسئله مواجه‌اند. اگرچه در این خصوص تحقیقاتی انجام گرفته و عواملی متعدد از زوایای مختلف را گزارش کرده‌اند، لیکن هنوز تصویری کامل و ترکیب یافته از این مطالعات ارائه نگردیده است؛ بنابراین احساس نیاز می‌شود که ابتدا بر پایه مطالعات انجام شده و تجربیات کسب شده در این زمینه، تصویری کلی از موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی فراهم شود تا بتوان مبنایی برای تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و پژوهش‌های بعدی در این خصوص ارائه کرد.

مرحله دوم، اجرای پژوهش به منظور بازیابی مطالعات: این مرحله به جستجوی منابع مربوط با نیاز اصلی پژوهش اختصاص دارد. از این رو ابتدا کلیه مقالات علمی معتبر از طریق جستجوی کلیدواژه‌هایی از قبیل موانع، محدودیت‌ها، اشتغال زنان روستایی از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی نظیر: (Sid، Normags، Magiran، Google scholar)، پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات، شناسایی شد و سپس با توجه به پرسش‌های تحقیق، منابع مرتبط حفظ، و منابع غیر مرتبط حذف شد؛ همچنین این پژوهش با تکیه بر منابع داخلی و خارجی و بر پایه مقالات علمی-پژوهشی منتشر شده در مجلات اکتفا شد. انتخاب این دسته از منابع از این رو بوده که مقالات علمی پژوهشی فرایند بررسی تخصصی را زیر نظر داوران متخصص طی می‌کنند و این حاکی از اعتبار نتایج آن‌ها است.

مرحله سوم، گزینش، پالایش و سازماندهی مطالعات: این مرحله به داوری درباره تعیین مطالعات مرتبط با نیازهای دانشی اختصاص دارد. داوری که نیازمند تدوین ملاک‌هایی برای گزینش و دسته‌بندی مطالعات است. با توجه به جست‌وجوهای انجام شده، ۳۰ مقاله در راستای پژوهش یافت شد که حول محور مسائلی چون اشتغال زنان، کارآفرینی زنان، موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی است، که از این تعداد برای ورود اطلاعات و تحلیل نهایی، نهایتاً ۲۴ مقاله مورد بررسی قرار گرفت که در جدول شماره ۱، ویژگی‌های اولیه این مقالات، قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های اولیه مقالات مورد بررسی

کد	نویسندگان	عنوان	سال	مجله
۱	پیشگاهی فرد و پولاب	آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران	۱۳۸۹	مجله پژوهش زنان
۲	شاوردی و پیت‌ساز قمی	بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی زنان کشاورز از نگاه مسئولان ترویج روستایی جهاد کشاورزی	۱۳۸۹	مجله مطالعات زنان
۳	علی‌زاده	نقش اشتغال زنان در توسعه	۱۳۸۹	مجله زن و فرهنگ
۴	رفعت‌جاه و خیرخواه	مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی	۱۳۹۲	فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی
۵	همتی‌وینه و همکاران	اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان مطالعه‌ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه	۱۳۹۱	کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان
۶	یوسف‌پور و همکاران	بررسی عوامل کارآفرینی زنان در توسعه اقتصادی کشور	۱۳۹۱	کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان
۷	نوری و همکاران	تحلیل فضایی شاخص‌های عمده اشتغال زنان در کشور	۱۳۹۲	مجله مطالعات اجتماعی، روانشناسی زنان
۸	یعقوبی‌فرانی و همکاران	شناسایی بازدارنده‌های گرایش زنان روستایی به مشاغل خانگی (مورد مطالعه: بخش سردرود شهرستان رزن)	۱۳۹۲	مجله علمی پژوهشی زن در توسعه و سیاست
۹	محمدی اصل	موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران	۱۳۹۳	فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی

مجله پژوهش‌های روستایی	۱۳۹۳	بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام آباد غرب	تقی بیگی و همکاران	۱۰
ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه	۱۳۹۴	چالش‌ها و موانع اجتماعی کارآفرینی زنان	روشن نیا و همکاران	۱۱
فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی	۱۳۹۵	اولویت‌بندی مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول با کارکرد تحلیل شبکه‌ای (ANP)	جمشیدی و همکاران	۱۲
دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه	۱۳۹۵	تحلیلی بر موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران	صفایی‌پور و زاد ولی‌خواجه	۱۳
مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی	۱۳۹۶	موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره	سواری و شعبانعلی فمی	۱۴
همایش ملی بررسی راهکارهای مدیریت توسعه کارآفرینی روستایی در ایران	۱۳۹۶	موانع و چالش‌های زنان روستایی در ایجاد کسب و کارهای کوچک مطالعه موردی: دهستان پایینرخ شهرستان تربت حیدریه	بوزرجمهری و همکاران	۱۵
مجله علمی پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی	۱۳۹۶	تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تویسرکان)	سعدی و همکاران	۱۶
مجله هنر و علوم اجتماعی	۲۰۱۰	عوامل مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تانزانیا	الیسیا و همکاران	۱۷
مجله جامعه، کار و خانواده	۲۰۱۴	موانع اشتغال: صدای زنان روستایی دارای معلولیت جسمی در تایلند	Theeraphong	۱۸
مجله توسعه روستایی	۲۰۱۶	اشتغال زنان در بخش غیررسمی در هند	Tiwari & Tiwari	۱۹

مجله بین‌المللی رفتار و تحقیقات کارآفرینی	۲۰۱۷	موانع موجود برای زنان کارآفرین روستایی در عمان	SuhailGhouse & et al	۲۰
مجله بین‌المللی توسعه اشتغال	۲۰۱۷	بررسی موانع و چالش‌های اشتغال زنان در عربستان سعودی	Al-Asfour & et al	۲۱
توسعه جهانی	۲۰۱۹	پویایی اشتغال زنان در هند	Sarkar & et al	۲۲
مؤسسه فناوری ماساچوست	۲۰۲۰	اشتغال زنان در هند: محدودیت‌های خانگی و شخصی	McKelway	۲۳
بررسی اقتصادی صندوق بین‌المللی پول	۲۰۲۱	هنجارهای اجتماعی به عنوان مانعی برای اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه	Seema jayachandran	۲۴

مرحله چهارم، تعیین چارچوب ادراکی و متناسب ساختن آن با اطلاعات حاصل از تحلیل: این مرحله، چارچوبی پیوند دهنده است که اطلاعات به دست آمده در پیرامون آن ترکیب می‌شود. از این رو چارچوب ادراکی شکل گرفته در این پژوهش، حول یک مفهوم اصلی است: موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی.

مرحله پنجم، پردازش، ترکیب و تفسیر در قالب فرآورده‌های ملموس: با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیقات مرتبط با هدف پژوهش، ابتدا کلیه مؤلفه‌ها از طریق فرآیند کدگذاری، باز استخراج، و سپس بر اساس فرآیند کدگذاری محوری، کلیه مؤلفه‌ها بر اساس مفاهیم مشترک دسته‌بندی می‌شوند؛ از این رو با توجه به فرآیند کدگذاری حاصل از مرحله اول، در این بخش ابتدا در جدول ۲ اقدام به شناسایی موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی با توجه به کد هر مقاله گردیده، و سپس در جدول ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ برای دسته‌بندی موانع بر اساس یک مفهوم مشترک، از طریق شیوه کدگذاری محوری بر مبنای موانع اشتغال زنان روستایی بر پایه یافته‌های تحقیقات، صورت گرفته است. به‌طور کلی پنج مؤلفه و ۶۷ مفهوم تاثیرگذار به عنوان موانع اشتغال زنان روستایی هریک از عوامل به همراه نویسنده مقاله مربوطه در جدول شماره ۱ مشخص شده است.

جدول شماره ۲: مؤلفه‌ها و مفاهیم موانع و محدودیت‌های اقتصادی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

مقوله هسته‌ای	کدها (مفاهیم)	منابع
موانع اقتصادی	عدم دسترسی به اعتبارات	سواری و همکاران (۱۳۹۶)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، بوذرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، رفعت جاه و خیرخواه، پیشگامی فرد و ام‌البینی (۱۳۸۹)، شاوردی و چیت‌ساز قمی (۱۳۸۹)، Ghouse & et al (۲۰۱۴)
	عدم دسترسی به مواد اولیه	سواری و همکاران (۱۳۹۶)، بوذرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، موسوی خامنه (۱۳۷۹)
	اختلاف دستمزد زن و مرد	جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، موسوی خامنه (۱۳۷۹)
	پایین بودن سطح درآمدها	سواری و همکاران (۱۳۹۶)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، نوری و همکاران (۱۳۹۲)، سفیری (۱۳۸۳)، موسوی خامنه (۱۳۷۹)، ابونوری و غلامی (۱۳۸۸)، Tiwari & Tiwari (۲۰۱۶)، Sarkar & et al (۲۰۱۹)
	ناکافی بودن صندوق‌ها و مؤسسات اعتباری	سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	نوع مشاغل	نوری و همکاران (۱۳۹۲)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی اصل (۱۳۹۳)، شاوردی و چیت‌ساز قمی (۱۳۸۸)
	وضعیت مالی مناسب خانواده	جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)
	کار خانوادگی بدون دستمزد	جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)
	نبود مکان و سرمایه کافی	سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، بوذرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، محمدی اصل (۱۳۹۳)
	نبود بازار مناسب برای فروش کالاها	سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، بوذرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم دسترسی به ضامن و وثیقه	رفعت جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)

سواری و همکاران (۱۳۹۶)	کوتاه‌مدت بودن درآمدها
رفعت جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، پیشگامی فرد و ام‌البنی (۱۳۸۹)، شاوردی و چیت‌ساز قمی (۱۳۸۹)	بالا رفتن نرخ بهره بانکی
جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)	سرمایه‌بر بودن مشاغل

جدول شماره ۳: مؤلفه‌ها و مفاهیم موانع و محدودیت‌های فردی - خانوادگی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

منابع	کدها (مفاهیم)	مقوله هسته‌ای
جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)	عدم روحیه خلاقیت و نوآوری	موانع فردی - خانوادگی
سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، یعقوبی فرانی و همکاران (۲۰۲۰) McKelway	عدم وجود اعتماد به نفس	
یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)	عدم روحیه ریسک‌پذیری	
یوسف‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶) Tiwari & Tiwari (۲۰۱۶)، Sarkar & et al (۲۰۱۹)	پایین بودن سطح سواد و تحصیلات	
Theeraphong bualar (۲۰۱۴)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی اصل (۱۳۹۱)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)	مشغله خانه‌داری و تعدد وظایف	
بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، یوسف‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، Theeraphong bualar (۲۰۱۴)	وضعیت تأهل	
جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)	عاطفی بودن زنان	
یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، Theeraphong bualar (۲۰۱۴)	توانایی جسمانی پایین	

سن و جنسیت	الیسیا و همکاران (۲۰۱۰)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، Theeraphong bualar (۲۰۱۴)، Al-Asfour & et al (۲۰۱۷)
عدم علاقه و انگیزه کار در زنان	روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، Theeraphong bualar (۲۰۱۴)
پایین بودن قدرت چانه زنی زنان	تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)
بی‌اعتمادی به کار زنان	یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)
ناتوانی در رقابت برای دریافت کار	جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)

جدول شماره ۴: مؤلفه‌ها و مفاهیم موانع و محدودیت‌های فرهنگی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

مقوله هسته‌ای	کدها (مفاهیم)	منابع
موانع فرهنگی	باورهای غلط در مورد کار زنان	علیزاده (۱۳۸۳)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، یوسف پور و همکاران (۱۳۹۱)، الیسیا و همکاران (۲۰۱۰)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود	علیزاده (۱۳۸۳)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)
	نرخ بیسوادی زنان	علیزاده (۱۳۸۳)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، Tiwari & Tiwari (۲۰۱۶)، Sarkar & et al (۲۰۱۹)
	پایین بودن درصد متخصصین	علیزاده (۱۳۸۳)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)
	حاکمیت تفکر مردسالاری	آقاجانی و توکلی والا (۱۳۸۶)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی اصل (۱۳۹۳)، نوری و همکاران (۱۳۹۲)، یوسف پور و همکاران (۱۳۹۱)، رفعت‌جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، McKelway (۲۰۲۰)

آقاجانی و توکلی والا (۱۳۸۶)، یوسف‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، رفعت جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، نوری و همکاران (۱۳۹۲)، روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی اصل (۱۳۹۳)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، Tiwari & Tiwari (۲۰۱۶)، Al-Asfour & et al (۲۰۱۷)، Seema jayachandran (۲۰۲۱)	تفکیک جنسیتی
آقاجانی و توکلی والا (۱۳۸۶)	کاهش سن ازدواج دختران
یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)	تعصبات خانوادگی
جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)	عدم آموزش مشاغل
رفعت جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، Theeraphongbua (۲۰۱۴)	نگرش منفی نسبت به کار زنان
تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۲)، Theeraphongbua (۲۰۱۴)	حمایت محدود خانواده
رفعت جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)	باورهای مذهبی و آداب و رسوم منطقه
یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)	عدم فرهنگ اشتغال زنان
یوسف‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، رفعت جاه و خیرخواه (۱۳۹۲)، تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی اصل و همکاران (۱۳۹۳)، روشن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، Al-Asfour & et al (۲۰۱۷)	وظیفه مادری و خانه‌داری

جدول شماره ۵: مؤلفه‌ها و مفاهیم موانع و محدودیت‌های اجتماعی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

مقوله هسته‌ای	کدها (مفاهیم)	منابع
موانع اجتماعی	سطح تحصیلات و آموزش	برکت (۱۳۸۳)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، الیسیا و همکاران (۲۰۱۰) Tiwari & Tiwari (۲۰۱۶)، Sarkar & et al (۲۰۱۹)
	کمبود تجربه کار	تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	کمبود مشاوره و راهنمایی	یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم دسترسی به بازار کار	تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم دریافت آموزش‌های مناسب و نداشتن مهارت	ابونوری و غلامی (۱۳۸۸)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، تقی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، Ghouse & et al (۲۰۱۷)
	کیفیت پایین آموزش	الیسیا و همکاران (۲۰۱۰)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم مشارکت زنان در امور روستا	محمدی اصل (۱۳۹۳)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	امن نبودن محیط روستا	بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	ناتوانی در رقابت برای دریافت کار	جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)
	آشنا نبودن با قوانین	سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	باورهای سنتی	برکت (۱۳۸۳)، علیزاده (۱۳۸۹)، الیسیا و همکاران (۲۰۱۰)، همتی وینه و همکاران (۱۳۹۱)، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵)
	حمایت محدود خانواده	Ghouse & et al (۲۰۱۷)
	عدم پذیرش زنان در برخی مشاغل	همتی وینه و همکاران (۱۳۹۱)

جدول شماره ۶: مؤلفه‌ها و مفاهیم موانع و محدودیت‌های نهادی-سیاسی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

مقاله رشته‌ای	کدها (مفاهیم)	منابع
موانع نهادی - سیاسی	عدم وجود نهادهای سیاسی	محمدی اصل (۱۳۹۳)، صفایی پور و همکاران (۱۳۹۵)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	کم بودن شانس زنان در کسب مقام‌های دولتی	محمدی اصل (۱۳۹۳)، صفایی پور و همکاران (۱۳۹۵)
	عدم ساختار قدرت و نقش‌های سیاسی	صفایی پور و همکاران (۱۳۹۵)، سعدی و همکاران (۱۳۹۶)
	طولانی بودن روند اخذ مجوز کسب و کار	بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم حمایت در بازاریابی محصولات تولیدی زنان	بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم تلاش در تأمین مواد اولیه و سرمایه	پیشگامی فرد و ام‌البنی (۱۳۸۹)، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم توجه در برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی زنان	تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم حمایت نهادها و تشکّل‌ها از زنان	محمدی اصل (۱۳۹۳)، سواری و همکاران (۱۳۹۶)، بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم تلاش نهادی در حذف واسطه‌ها	بوزرجمهری و همکاران (۱۳۹۶)
	عدم آشنایی با قوانین و مقررات	پیشگامی فرد و ام‌البنی (۱۳۸۹)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۶)
	مقررات محدودکننده زنان	یوسف پور و همکاران (۱۳۹۱)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۶)
	برخوردار نبودن از بیمه	تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳)
	قوانین اشتغال نیمه‌وقت زنان	یوسف پور و همکاران (۱۳۹۱)، روشن نیا و همکاران (۱۳۹۴)

مرحله ششم، نتایج: در این بخش با توجه به فرآیند و فرآورده‌های سنتز پژوهی در یک نمای کلی، موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا در قسمت فرآیند سنتز پژوهی، استخراج عوامل صورت گرفته؛ بدین گونه که ابتدا توصیفات کلیه عوامل از طریق فرآیند کدگذاری بازناسایی و سپس مصادیق هر یک توسط فرآیند کدگذاری محوری استخراج می‌شود، و سپس در قسمت فرآورده سنتز پژوهی از آنجا که هدف، ترکیب کلیه یافته‌های علمی در یک موضوع خاص و رسیدن به یک انسجام واحد است، در بخش ارائه نتایج، ترکیب با مرور مجدد، و داده‌های اولیه و کدگذاری مجدد، موارد همپوشی و قرابت معنایی با هم ترکیب شده و به صورت یک کل جدید و انسجام یافته ارائه می‌شود. در بحث موانع اشتغال زنان روستایی، ۵ مؤلفه، ۱۶ مقوله و ۶۷ مفهوم استخراج گردید.

جدول شماره ۷: ارائه نتایج ترکیب (فرآورده‌های سنتز پژوهی) موانع و محدودیت‌های اقتصادی، نهادی - سیاسی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

مفاهیم	مقوله	مقوله هسته‌ای
کوتاه مدت بودن درآمدها	کمبود سرمایه	موانع اقتصادی
پایین بودن سطح درآمدها		
سرمایه بر بودن مشاغل		
نبود مکان و سرمایه کافی		
عدم دسترسی به مواد اولیه		
ناکافی بودن صندوق‌ها و مؤسسات اعتباری		
بالا رفتن نرخ بهره بانکی		
عدم دسترسی به ضامن و وثیقه		

اختلاف دستمزد زن و مرد		محدودیت بازار فروش
کار خانگی بدون دستمزد		
نوع مشاغل		
سرمایه بر بودن مشاغل		
وضعیت مالی خانواده		
نبود بازار مناسب برای فروش کالاها		وضع قوانین دست و پاگیر نهادهای مرتبط
طولانی بودن روند اخذ مجوز کسب و کار		
عدم ساختار قدرت و نقش‌های سیاسی		
عدم وجود نهادهای سیاسی		
عدم آشنایی با قوانین و مقررات		
مقررات محدودکننده زنان		
قوانین اشتغال نیمه‌وقت زنان		
برخوردار نبودن از بیمه		عدم حمایت قانونی و ارائه تسهیلات
کم بودن شانس زنان در کسب مقام‌های دولتی		
عدم تلاش در تأمین مواد اولیه و سرمایه		
عدم حمایت نهادها و تشکّل‌ها از زنان		
عدم حمایت در بازاریابی محصولات تولیدی زنان		
عدم تلاش نهادی در حذف واسطه‌ها		
عدم توجه در برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی زنان		

موانع نهادی-سیاسی

جدول شماره ۸: ارائه نتایج ترکیب (فرآورده‌های سنتز پژوهی) موانع و محدودیت‌های فردی - خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران

مفاهیم	مقوله	مقوله هسته‌ای
توانایی جسمانی پایین	باورهای نادرست در مورد زنان	موانع فردی - خانوادگی
پایین بودن قدرت چانه‌زنی زنان		
ناتوانی در رقابت برای دریافت کار		
بی‌اعتمادی به کار زنان		
عاطفی بودن زنان	عدم خودباوری و شناخت خود	
عدم روحیه خلاقیت و نوآوری		
عدم وجود اعتماد به نفس		
عدم روحیه ریسک‌پذیری		
عدم علاقه و انگیزه کار در زنان	محدودیت‌های خانوادگی	
مشغله خانه‌داری و تعدد وظایف		
سن و جنسیت		
وضعیت تأهل	موانع فرهنگی	
باورهای غلط در مورد کار زنان		
نگرش منفی نسبت به کار زنان		
کاهش سن ازدواج دختران		
عدم فرهنگ اشتغال زنان		
تفکیک جنسیتی		

حاکمیت تفکر مردسالاری	حاکمیت فرهنگ نادرست در مورد کار زنان
باورهای مذهبی و آداب و رسوم منطقه	
وظیفه مادری و خانه‌داری	
تعصبات خانوادگی	
حمایت محدود خانواده	ضعف نظام آموزشی
پایین بودن سطح سواد و تحصیلات	
نرخ بیسوادی زنان	
عدم آموزش مشاغل	
پایین بودن درصد متخصصین	ضعف نظام و برنامه‌ریزی آموزشی
عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود	
سطح تحصیلات و آموزش	
کیفیت پایین آموزش	
عدم دریافت آموزش‌های مناسب و نداشتن مهارت	ضعف قوانین
کمبود تجربه کار	
کمبود مشاوره و راهنمایی	
آشنا نبودن با قوانین	کاهش امنیت
عدم دسترسی به بازار کار	
امن نبودن محیط روستا	کاهش سرمایه اجتماعی
عدم مشارکت زنان در امور روستا	
باورهای سنتی	نگرش نادرست در مورد کار زنان
عدم پذیرش زنان در برخی مشاغل	
ناتوانی در رقابت برای دریافت کار	
حمایت محدود خانواده	

موانع اجتماعی

در این پژوهش، دو پرسش اصلی در ارتباط با اینکه مهم‌ترین موانع مؤثر بر اشتغال زنان روستایی به ترتیب اهمیت و راهکارهای رفع موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان در نواحی روستایی ایران کدامند، مطرح شد. برای پاسخ به این دو پرسش از روش سنتز پژوهی روبرتس استفاده گردید.

در این بررسی از بین مقالات تهیه شده، ۱۹ مقاله که شرایط لازم را برای بررسی و تحلیل داشتند، انتخاب گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ارتباط با موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی در ایران، ۵ مقوله هسته‌ای، ۱۱ مقوله و ۶۷ مفهوم شناسایی شدند. مهم‌ترین موانع اقتصادی زنان روستایی ایران در بُعد اقتصادی، کمبود سرمایه (کوتاه مدت بودن درآمدها، پایین بودن سطح درآمدها، سرمایه‌بر بودن مشاغل، نبود مکان و سرمایه کافی، عدم دسترسی به مواد اولیه، ناکافی بودن صندوق‌ها و مؤسسات اعتباری، بالا رفتن نرخ بهره بانکی، عدم دسترسی به ضامن و وثیقه، اختلاف دستمزد زن و مرد، کار خانگی بدون دستمزد، نوع مشاغل، سرمایه‌بر بودن مشاغل، وضعیت مالی خانواده) و محدودیت بازار فروش (نبود بازار فروش برای کالاهای تولید شده توسط زنان) است.

در بُعد نهادی سیاسی، مهم‌ترین موانع اشتغال زنان روستایی، وضع قوانین دست و پاگیر نهادهای مرتبط (طولانی بودن روند اخذ مجوز کسب و کار، عدم ساختار قدرت و نقش‌های سیاسی، عدم وجود نهادهای سیاسی، عدم آشنایی با قوانین و مقررات، مقررات محدودکننده زنان، قوانین اشتغال نیمه‌وقت زنان، برخوردار نبودن از بیمه، کم بودن شانس زنان در کسب مقام‌های دولتی)، عدم حمایت قانونی و ارائه تسهیلات (عدم تلاش در تامین مواد اولیه و سرمایه، عدم حمایت نهادها و تشکلهای از زنان، عدم حمایت در بازاریابی محصولات تولیدی زنان، عدم تلاش نهادی در حذف واسطه‌ها، عدم توجه در برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی زنان) است.

مهم‌ترین موانع تأثیرگذار بر اشتغال زنان روستایی ایران در بُعد فردی-خانوادگی، شامل باورهای نادرست در مورد زنان (توانایی جسمانی پایین، پایین بودن قدرت چانه‌زنی زنان، ناتوانی در رقابت برای دریافت کار، بی‌اعتمادی به کار زنان، عاطفی بودن زنان)، عدم خودباوری و شناخت خود (عدم روحیه خلاقیت و نوآوری، عدم وجود اعتماد به نفس، عدم روحیه ریسک‌پذیری، عدم علاقه و انگیزه کار در زنان)، محدودیت‌های خانوادگی (مشغله خانهداری و تعدد وظایف، سن و جنسیت، و وضعیت تأهل) است.

در بُعد فرهنگی شامل نگرش‌های نادرست درباره کار زنان (باورهای غلط در مورد کار زنان، نگرش منفی نسبت به کار زنان، کاهش سن ازدواج دختران، عدم فرهنگ اشتغال زنان، تفکیک جنسیتی)، حاکمیت فرهنگ نادرست در مورد کار زنان (حاکمیت تفکر مردسالاری، باورهای مذهبی و آداب و رسوم منطقه، وظیفه مادری و خانه‌داری، تعصبات خانوادگی، حمایت محدود خانواده)، ضعف نظام آموزشی (پایین بودن سطح سواد و تحصیلات، نرخ بیسوادی زنان، عدم آموزش مشاغل، پایین بودن درصد متخصصین، عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود) است.

در بُعد اجتماعی، مهم‌ترین موانع تاثیرگذار بر اشتغال زنان روستایی شامل ضعف نظام و برنامه‌ریزی آموزشی (سطح تحصیلات و آموزش، کیفیت پایین آموزش، عدم دریافت آموزش‌های مناسب و نداشتن مهارت، کمبود تجربه کار، کمبود مشاوره و راهنمایی)، ضعف قوانین (آشنا نبودن با قوانین، عدم دسترسی به بازار کار)، کاهش امنیت (امن نبودن محیط روستا)، کاهش سرمایه اجتماعی (عدم مشارکت زنان در امور روستا)، نگرش نادرست در مورد کار زنان (باورهای سنتی، عدم پذیرش زنان در برخی مشاغل، ناتوانی در رقابت برای دریافت کار، حمایت محدود خانواده) است.

پیشنهادات

در پایان جهت تکمیل این پژوهش، پیشنهادهایی به قرار زیر برای رفع موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه مهم‌ترین مانع اقتصادی، عدم دسترسی به اعتبارات است، ارائه تسهیلات لازم برای دسترسی آسان‌تر زنان به خدمات مالی از طریق صندوق‌ها و مؤسسات اعتباری می‌تواند مؤثر باشد.

- با توجه به کیفیت پایین آموزش و عدم دریافت آموزش‌های مناسب، ارائه برنامه‌های آموزشی و کمک آموزشی برای اشتغال زنان روستایی، کلاس‌های نهضت سوادآموزی و برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی می‌تواند مؤثر واقع شود.

- با توجه به اینکه مشغله خانه‌داری و تعدد وظایف یکی از مهم‌ترین موانع فردی-خانوادگی است، پیشنهاد می‌شود با آموزش بیشتر و مدیریت مشارکتی شوهر و فرزندان

این خانوارها، بخشی از بار سنگین اداره امور خانه از دوش زنان روستایی کاسته شود تا آنان وقت کافی جهت انجام فعالیت‌های بیرون از منزل را داشته باشند.

- حمایت قانونی از زنان و برنامه‌هایی مربوط به آنان با تأکید بر جنسیت.

- با توجه به اینکه عدم حمایت نهادها و تشکّل‌ها از زنان و عدم وجود نهادی سیاسی حامی زنان در روستاها از مهم‌ترین موانع نهادی-سیاسی اشتغال زنان روستایی است، پیشنهاد می‌شود دولت با زمینه‌سازی بسترهای مناسب مانند اعتبارات و تسهیلات کوتاه‌مدت، ایجاد صندوق‌های اعتباری جهت حمایت از اشتغال زنان روستایی، تأسیس مراکز حرفه‌ای و شغلی برای فعالیت زنان اقدام کند.

- تغییر ذهنیت و اعتقادات و باورهای سنتی نسبت به زنان و افزایش و تقویت اعتماد به نفس، خود ابرازی و خود اتمکایی جهت شکوفاسازی امکانات و استعداد‌های نهفته زنان روستایی و توجه به باورها و تعصبات و سنت‌های حاکم بر مردم روستایی منطقه و سعی در اصلاح باورها و سنت‌های غلط در جهت اشتغال زنان روستایی.

- دادن تسهیلات و اعتبارات و توجه به آموزش و برنامه‌ریزی برای زنان روستایی از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی و مهارت‌زا در سطح روستاها برای توانمندسازی بیشتر زنان روستایی.

- تشکیل سازمان امور زنان در مقیاس ملی و ادارات کل استانی، به منظور پیگیری مستقیم و منسجم کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... زنان به طور عام، و زنان روستایی به شکلی خاص، تا زمان رفع تبعیض و کسب جایگاه واقعی و مؤثر در فرآیند رسیدن به توسعه.

منابع

- آقاجانی، حسین؛ توکلی والا، ژاله (۱۳۸۶)، بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی اشتغال زنان ایران در دهه‌های اخیر، نظام جامع اطلاع‌رسانی اشتغال: www.jobportal.ir.
- بوزرجمهری، خدیجه؛ صادقلو، طاهره؛ قنبری، نسیمه (۱۳۹۶)، موانع و چالش‌های زنان روستایی در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک مطالعه موردی: دهستان پایینرخ شهرستان تربت حیدریه، همایش ملی بررسی راهکارهای مدیریت توسعه کارآفرینی روستایی در ایران: دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار.
- پیشگاهی فرد، ز؛ پولاب، ا (۱۳۸۹)، «آینده‌پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، ۸۹ تا ۱۰۶.
- تقی‌بیگی، م؛ آگهی، ح؛ میرک‌زاده، ع (۱۳۹۳)، «بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب»، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۲، ۲۸۳ تا ۳۱۰.
- جمشیدی، م (۱۳۸۲)، «زنان و توسعه روستایی»، ماهنامه جهاد، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، ۵۷ تا ۶۴.
- جمشیدی، م؛ جمشیدی، ع؛ جمشیدی، ف (۱۳۹۵)، «اولویت‌بندی مهمترین موانع اشتغال زنان روستایی شهرستان چرداول با کارکرد تحلیل شبکه‌ای (ANP)»، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال ۵، شماره ۱۹، ۱۱۷ تا ۱۲۸.
- دادورخانی، ف (۱۳۸۵)، «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۸۵، ۱۷۱ تا ۱۸۸.
- رضوی الهاشم، ب (۱۳۸۸)، «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی، اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ۶۰ تا ۷۳.
- روشن‌نیا، د؛ خادمی شهریور، ر؛ قوتی، س (۱۳۹۴)، «چالش‌ها و موانع اجتماعی کارآفرینی زنان»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۸، ۶۴ تا ۷۴.
- رفعت‌جاه، م و خیرخواه، ف (۱۳۹۲)، «مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۰ تا ۱۵۶.
- سفیری، خ (۱۳۸۳)، مسائل اجتماعی به نام اشتغال، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مسائل جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- سعدی، ح؛ یعقوبی فرانی، ا؛ زلیخائی سیار، ل؛ قهرمانی، ل (۱۳۹۶)، «تحلیل موانع و محدودیت‌های اشتغال زنان روستایی مطالعه موردی: شهرستان تویسرکان»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ششم، شماره ۱ (۱۷)، ۳۵ تا ۴۸.
- سواری، م؛ شعبانعلی فمی، ح؛ شریف‌زاده، م (۱۳۹۶)، «موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، ۲۱ تا ۳۶.
- سلیمانی، ر (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت اشتغال زنان در استان سمنان و راهکارهای بهبود آن»، مجله زنان و توسعه، شماره ۳.
- شاوردی، ت؛ پیت‌ساز قمی، م (۱۳۸۹)، «بررسی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حقوقی زنان کشاورز از

- نگاه مسئولان ترویج روستایی جهاد کشاورزی، «مجله مطالعات زنان»، سال ۴، شماره ۱، ۲ تا ۲۴.
- شاطریان، م؛ نصرآبادی، ز؛ منصوریان، ف (۱۳۹۶)، «تحلیل موانع کارآفرینی زنان در شهرستان کاشان»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۶، شماره ۳(۲۱)، ۱۸۱ تا ۱۹۶.
- شربتیان، م (۱۳۸۷)، «بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان»، پیک نور، سال ۷، شماره ۳، ۸۵ تا ۹۵.
- صادقی فسایی، س؛ خادمی، ع (۱۳۹۴)، «فرا تحلیل چهار دهه پژوهش در موضوع اشتغال زنان»، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۲، ۲۴۳ تا ۲۵۶.
- صداقتی فرد، م؛ ارجمند، ا (۱۳۸۹)، «انگیزه‌های زنان ایرانی از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی پژوهشی در شناسایی عامل‌های مؤثر بر مشارکت زنان؛ مطالعه موردی: زنان ۹۰ تا ۱۹ سال شهر سمنان»، فصلنامه زن و جامعه، سال ۱، شماره ۲، ۹۷ تا ۱۲۲.
- صفایی پور، م؛ زاد ولی خواجه، ش (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، سال پنجم، شماره ۱، ۶۳ تا ۸۵.
- علی‌زاده، م (۱۳۸۹)، «نقش اشتغال زنان در توسعه»، مجله زن و فرهنگ، دوره ۲، شماره ۵، ۴۹ تا ۵۹.
- فلاح‌دار جلو، ر؛ فرج‌اله حسینی، ج؛ حسینی، م؛ میردامادی، م (۱۳۸۶)، «عوامل موفقیت بر کارآفرینی زنان روستایی شمال کشور»، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه، دوره ۱۰، شماره ۴، ۸۷ تا ۱۱۵.
- قربانی، م؛ حسینی، ح (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه‌ها، روش‌ها و تجربه‌های تنظیم و تعدیل حساب ملی نسبت به ارزش کار زنان خانه‌دار (تولید خانگی)»، طرح پژوهشی مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و وزارت اجتماعی.
- قلی‌زاده، ا؛ برکت، ن (۱۳۸۶)، «روند تحولات آموزش عالی زنان استان اصفهان در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۲۱، شماره ۱۳، ۹۹ تا ۱۲۲.
- کاویانی، ح؛ نصر، ا (۱۳۹۵)، «سنتر پژوهی چالش‌های برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی کشور در دهه اخیر و راهکارهای پیش رو»، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۷، شماره ۱، ۷ تا ۳۶.
- کریمی موغاری، ز؛ نظیفی نائینی، م؛ عباسپور، س (۱۳۹۲)، «عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران، مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان»، فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال یازدهم، شماره ۳، ۵۳ تا ۸۰.
- میرک‌زاده، ع؛ علی‌آبادی، و؛ شمس، ع (۱۳۸۹)، «واکوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی»، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۲، ۱۴۷ تا ۱۶۵.
- محمدی اصل، ع (۱۳۹۳)، «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۳، شماره ۱۲، ۹۳ تا ۱۳۰.
- موسوی خامنه، م (۱۳۷۱)، «زنان در فرآیند توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- نامدار، م (۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر اشتغال زنان همراه با ورود فناوری‌های نوین به عرصه اقتصاد روستایی: مطالعه موردی کمباین‌داران استان فارس»، مجله علمی پژوهشی روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۲، ۱۰۳ تا ۱۲۸.
- نوری، ه؛ جمینی، د؛ جمشیدی، ع (۱۳۹۲)، «تحلیل فضایی شاخص‌های عمده اشتغال زنان در کشور»، مجله مطالعات اجتماعی- روانشناسی زنان، سال ۱۱، شماره ۱۳، ۸۱ تا ۱۰۲.
- وفايي، ا؛ ترکرانی، م (۱۳۹۴)، «بررسی تاثیر نوع و میزان فعالیت زنان روستایی بر سطح حقوق اقتصادی-

- اجتماعی آنها»، *مجله مطالعات اجتماعی-روانشناسی زنان*، سال ۱۲، شماره ۴، ۱۱۹ تا ۱۴۸.
- همتی وینه، ه؛ عابدی سروسستانی، ا؛ عبداله‌زاده، غ؛ محبوبی، م (۱۳۹۱)، *اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان مطالعه‌ای درباره‌ی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه*، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران، بابلسر.
 - یعقوبی فرانی، ا؛ وحدت مودب، ه؛ لطیفی، س (۱۳۹۲)، «شناسایی بازدارنده‌های گرایش زنان روستایی به مشاغل خانگی، مورد مطالعه: بخش سردرود شهرستان رزن»، *مجله علمی پژوهشی زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۴، ۵۵۹ تا ۵۷۴.
 - یوسف‌پور، م؛ حسین‌زاده، م؛ حسین‌زاده، ح؛ طالب‌نژاد، ر (۱۳۹۱)، *بررسی عوامل کارآفرینی زنان در توسعه اقتصادی کشور*، مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان.
 - Al-Asfour, Hayfaa A. Tlaiss, Sami A. Khan, James Rajasekar, (2017), "Saudi women's work challenges and barriers to career advancement", *Career Development International*, Vol. 22 Issue: 2, pp.184-199.
 - Elisia, L., Mussa, A. & Akarro, R. (2010), "Some Factors that Hinder Women Participation in Social, Political and Economic Activities in Tanzania", *Journal of Arts and Social Sciences*, 11 (2), pp.1-10.
 - Chatterjee, Urmila, RinkuMurgai, and Martin Rama. (2015), "Job opportunities along the rural-urban gradation and female labor force participation in india". Working paper, Washington, DC: World Bank Policy Research Working Paper, Number 7412
 - Jayachandran, S. (2021), "Social Norms as a Barrier to Women's Employment in Developing Countries". *IMF Economic Review*
 - McKelway, M. (2020), "Women's Employment in India: Intra-Household and Intra-Personal Constraints". *Research / Weiss Fund Supported Research*•Jan 03
 - Ruger, V. (2008), "Value of Household production in fin land and Germany. Analysis and Recalculation of the Household satellite Account system in both countries", *National consumer Research center*, ISBN, 978-951-698, 1-175
 - Sarkar, S., Sahoo, S., Klasen, S. (2019), "Employment transitions of women in India: A panel analysis". *World Development Volume 115*, March 2019, Pages 291-309.
 - Suhail, G., McElwee, G., Meaton, J. and Durrah, O. (2017), "Barriers to rural women entrepreneurs in Oman", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, Vol. 23 No. 6, pp. 998-1016. <https://doi.org/10.1108/IJEBr-02-2017-0070>
 - Tiwari, R., &Tiwari, Sh.(2016), "Women Employment In Unorganised Secore In India: An Empirical Analysis" . *Journal of Rural Development*, Vol. 35 No. (4) pp. 645-664.
 - Theeraphong, B. (2014), "Barriers to employment: voices of physically disabled rural women in Thailand". *Journal Community, Work & Family*, Volume 17 (2),181-199
 - Yang, D.T. & An, M.Y. (2002), "Human capital, entrepreneurship, and farm household earnings". *Journal of Development Economics*, 68 (2), 65°88.